

علیه اعدام



۳ اردیبهشت ۱۳۸۵

شماره ۲۸

سردبیر: بابک شدیدی

ده نفر در زندان اوین اعدام شدند!

از زندان درز نکرده است. فقط رسانه های حکومت از قصد اعدام ۱۲ نفر در این روز در زندان اوین صحبت کرده اند که دو نفر آنها با

اعتراض و ابراز نفرت در ایران و در دنیا به راه می افتد، بدون اعلام قبلی، یکباره ده نفر را اعدام کرد. جرم این افراد همگی قتل اعلام شده و تا کنون اسامی آنها نیز به بیرون

چهارشنبه ۱۹ آپریل، روز خونین اجرای احکام اعدام بر علیه ده نفر در زندان اوین بود. حکومت جنایت اسلامی که میداند با اعلام قبلی احکام اعدام، موجی از



صفحه ۲

نامه الکساندر الوارو به رئیس پارلمان اروپا



صفحه ۲

کمیته بین المللی علیه اعدام

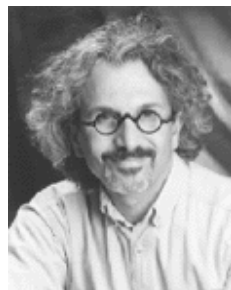
بدنبال ملاقات هیئت کمیته علیه اعدام و مینا احدی با یکی از اعضا پارلمان اروپا، و گفتگو با وی در مورد احکام فزاینده اعدام در ایران، الکساندر الوارو دومین نامه خود برای رئیس پارلمان اروپا را در تاریخ ۲۰ آپریل برای رئیس

مسبب اصلی مرگ هاتون چه کسانی

هستند؟

صفحه ۶

مجازات اعدام: واقعیتها؟



علی جوادی

را مجازات کرد؟ این استدلالات شاید غریب بنظر برسد ولیکن تمامی این اقدامات را تاکنون انجام داده اند. برای عبرت فلسطینی ها کل خانه و زندگی و بعضا دهکده چریک مخالف دولت را بارها و بارها با

صفحه ۳

سیستم قضایی می بایست اصلاح جامعه و فرد و مصون داشتن جامعه را مبنای اقدامات خود قرار دهد، ریشه و زمینه انواع جرم و جنایت را از میان بردارد و از اینرو از جامعه حفاظت کند. جامعه انسانی و آزاد نمی تواند و نباید انتقام مبنای قضاوتش باشد. عبرت آموزی فلسفه دیگر مجازات علاوه بر انتقام است. یعنی اینکه فرد مجازات میشود تا مجرم و مردم عبرت بگیرند که از ارتکاب به اقداماتی اجتناب کنند. نقد ما به این فلسفه از مجازات چیست؟ در درجه اول مسئله این است که کجا حد و مرز و میزان مجازات برای عبرت آموزی مردم را میکشند؟ کجا و چگونه تعیین میکنند که برای عبرت دیگران چقدر باید فرد را مجازات کرد؟ مثلا چرا نباید کل خانواده مجرم را مجازات کرد؟ چرا نباید کل اهالی محله مجرم

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

از صفحه ۱

به احکام اعدام در ایران اعتراض کنید!

**کمیته بین المللی
علیه اعدام
۲۰ آوریل ۲۰۰۶**

اعتراض کرده و همگان را به ابراز نفرت و انزجار از این جنایات غیر قابل تصور حکومت اسلامی فرا میخواند. باید متحدانه و قدرتمند در سراسر جهان بر علیه جنایات حکومت اسلامی اعتراض کرد.

و مقابله با جنبش عظیم اعتراضی بر علیه اعدام را دارد. کمیته بین المللی علیه اعدام، ضمن ابراز خشم و نفرت شدید خود از اعدام ده نفر در زندان اوین، اعلام میکند که به این جنایات در سطح بین المللی و در ایران

تصور و در عین حال یک تعرض بیشرمانه حکومت اسلامی بر علیه مردم در ایران است. جمهوری اسلامی ایران با این جنایات قصد تعرض به جنبش های اعتراضی مردم و قصد ایجاد رعب و وحشت

عفو خانواده های مقتولین، ظاهراً از اعدام نجات یافته اند. وده نفر به دست جانیان حکومت در همان محوطه زندان اعدام شده اند. این یک فاجعه غیر قابل

از صفحه ۱

**نامه الکساندر الوارو به
رئیس پارلمان اروپا**

جوزف بورل فونتنس ارسال کرده و یک نسخه از این نامه را برای کمیته علیه اعدام ارسال کرده است.

نامه الکساندر الوارو به
رئیس پارلمان اروپا

آقای رئیس
آقای بورل عزیز

پیرو نامه من به شما به تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۰۶، در باره رفتار غیر انسانی و وحشیانه سنگسار در ایران، بدینوسیله میخواستم از شما

H.E.
Joseph Borrell
Fontelles
President
European
Parliament
60, Rue Wiertz
B-1047
Brussels

Brussels, 22.
April 2006

Further to my letter to you of 24 February 2006 where I turned to you regarding the inhuman treatment of stoning in Iran I would like to inquire whether you have been able to take any actions in this imminent, current cases of women to be stoned in

Iran.

I would like to excuse for asking you again in this particular subject, but in human executions are still daily business in Iran and politically motivated executions become more and more general practice. The Iranian government already unofficially announced increased executions should the UN Security Council intervene regarding their nuclear plants. Just in one

نتیجتاً بسیار قاطع و در عین حال اظطراری باید اقدامات عملی فوری برای متوقف این رفتارهای غیرانسانی به اجرا در آوریم.

امیدوارم يك برخورد مثبت در این خصوص از شما دریافت کنم

**با بهترین احترامات
الکساندر آوارو
عضو پارلمان اروپا**

Consequently, it is very crucial and additionally very urgent that we initiate actions to stop these inhuman treatments

I do hope for positive feedback and remain with the very best regards,
Alexander Alvaro, MdEP



سر دبیر نشریه علیه اعدام

بابک شدیدی

تلفن:

ای میل:

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net

از صفحه ۱

مجازات اعدام: واقعیتها؟

خاک یکسان کرده‌اند. بعلاوه در این فلسفه از مجازات فرض این است که هر چقدر مجازات سنگین تر باشد، عامل بازدارنده‌گی اش هم قوی تر است. حال باید سؤال کرد اگر سطح کنونی مجازات "کارآیی مطلوب" را نداشت، آنوقت چه باید کرد؟ چقدر مجازات را باید تشدید کرد تا موثر واقع شود؟ چقدر دوسر مجازات را باید بالا برد تا مردم از تکرار وقوع جرم اجتناب کنند؟ چقدر باید آدم کشت تا زنی بر خلاف میل مذهب با مردی هم بستر نشود؟ تا اخلاقیات کثیف مذهبی خدشه دار نشوند؟ درستی این منطق به میزان نیروی قلدری و توحش و توپ و تانک طبقه حاکمه است و نه هیچ چیز دیگری. واقعیت این است که در این سیستم از مجازات روشن است که دستگاه طبقه حاکمه دارد از فرد بخاطر اقدامات احتمالی آتی جامعه انتقام می‌گیرد. فرد را بخاطر دیگران مجازات میکنند. هر چقدر هم زورشان برسد بخش فردی و بخش اجتماعی‌اش را هم تعیین میکنند. از صد تا ضربه شلاق که من و شما باید بخوریم، ظاهراً بیستاش مال خودمان است و هشتادش مال دیگران. اینهم شد دلیل و فلسفه مجازات من و شما! در این سیاست از مجازات طبقه حاکمه دارد به جامعه می‌گوید که هر کدام از شما از نظر من قصاص کل جامعه را باید پس

بدهد. همه شما را من در هر مجازاتی مجازات خواهم کرد. برای به راست کردن جامعه هر کدام از شما که دستم بیفتید، باید حساب پست بدهد. این مبنای سیاست قضایی من است. همه مجرم اند. همه در مقابل جرم مسئول‌اند. همه باید در هر مجازاتی مجازات شوند.

در رد این فلسفه از مجازات باید گفت که اصلا کی به دستگاه حاکم حق داده است که فرد را بخاطر درس آموزی دیگران مجازات و یا شنیع‌تر اعدام کند. این حق را شما از کجا آورده‌اید؟ اگر فرض این است که هدف از مجازات تنبیه فرد خاطیست، پس عبرت آموزی دیگران چه صیغه‌ای است! مگر تمام فرض سیستم موجود این نیست که جامعه سالم است، کارکردش درست است، پس چرا فرد را بخاطر درس آموزی دیگران و مردم میزنند و یا زندانی و اعدام میکنند؟ این دو رویی از چه بابتی است؟ می‌گویند قانون گفته است. می‌گویند حق ما از قانون جامعه ناشی شده است. مگر غیر از این است که حقتان را از اینجا بدست آورده‌اید که ابزار قانون‌گزاری و اجرای قانون دستتان است. خودتان قوانین را مینویسید و نتیجتاً خودتان را هم محق میدانید! مگر غیر از این است که حقتان را از قدرت ارتش و زندان و چماق به دستانتان بدست آورده‌اید؟ مگر غیر از این

است که حقتان را از قدرت ارتش و زندان و چماق به دستانتان بدست آورده‌اید؟ مگر غیر از این است که این حق را از لوله تفنگتان و از قدرت اقتصادی طبقه‌تان بدست آورده‌اید. این دیگر واقعیتی انکار ناپذیر است که جامعه طبقاتی حق اش را از قدرت دستگاه سرکوب و قدرت عوامفریبی‌اش در جامعه می‌گیرد.

"مجازات اعدام:"

در دفاع از "مجازات اعدام" می‌گویند که پاداش مجرم جنایی اشد مجازات است. اشد مجازات را هم در جوامعی مثل آمریکا مرگ تعریف کرده‌اند. رایج است که اعدام بهترین ضامن جلوگیری از وقوع مجدد قتل توسط افراد جامعه است. اعدام کم‌خرجترین شیوه مجازات مجرم جنایی است. از مجرم جنایی فقط با مرگ میتوان انتقام گرفت. عدالت تنها با اعدام مجرم جنایی تحقق می‌پذیرد. کسی که به کودکی تجاوز کرده، کسی که کودکی را کشته می‌بایست اعدام شود. خلاصه اینکه اعدام و نابودی فیزیکی مجرم بهترین روش برای مصون داشتن جامعه و جلوگیری از وقوع مجدد جرم است! اما نقد ما به "مجازات اعدام" چیست؟ قبل از هر چیز باید گفت که اعدام اصلا مجازات نیست. اعدام کشتن کسی است که در زمان اعدام قادر به انجام جرم و کاری نیست. اعدام جنایت است. اعدام جنایت طبقه حاکم بر علیه آحاد جامعه است. اعدام نابود میکند. اعدام ادامه کشتار برده‌دار است. اعدام یعنی کشتار آحاد جامعه توسط سرمایه. اعدام مجازات نیست، چرا که برگشت ناپذیر است. اعدام اقدامی برای اصلاح نیست. در فردای اعدام فردی باقی نمی‌ماند که اصلاح شود. اعدام یعنی له کردن حرمت انسان در جامعه. اعدام یعنی کشتن حرمت انسانها. یعنی

بیجان کردن انسان جاندار. اعدام دست‌اندازی به نفس حیات در حد نابودی موجودیت انسان است. اعدام عمل انتقام جویانه، نه فردی بلکه دسته جمعی عقل حاکم بر جامعه از فرد مجرم است. عقل و شعور حاکم بر جوامع کنونی هم چیزی جز عقل و منطق سرمایه‌داری نیست. اعدام هیچ اما و اگر برنمی‌دارد. هیچ اقدامی نیست که بتوان تصور کرد اعدام پاسخ انسانی‌اش است. در دفاع از "مجازات اعدام" می‌گویند که اعدام عامل بازدارنده قتل و جنایت در جامعه است. این ادعا ظاهراً مقبولیت زیادی در میان مردم دارد. اما این دروغ طبقه حاکمه است. در جواب باید گفت در جوامع‌ایکه حکم اعدام بخشی از قانون جزایشان می‌باشد ما بهیچوجه با میزان کمتری از قتل و جنایت و تجاوز جسمی و جانی مواجه نیستیم. حکم اعدام عامل بازدارنده تجاوز به انسان نبوده و نیست. با خشونت قانونیت یافته نمیتوان جامعه‌ای را از خشونت مبرا داشت. این عوامفریبی‌است، این توهم است، این توهم تماماً با توحش در هم آمیخته است. کافی است به جامعه آمریکا نگاه کنید! به میزان جرایم جنایی و به میزان انسانهای در صف اعدام قرار دارند، نگاه کنید! هیچ دو تا ایالتی که حکم اعدام در یکی رایج است و در دیگری وجود ندارد را نمیتوان نشان داد که اعدام بمثابه عامل بازدارنده از وقوع مجدد جرم عمل کرده باشد. تازه اگر هم میکرد بازهم نمی‌بایست کسی را اعدام کرد، چرا که اعدام فی‌الذات نیز شنیع است. آخر این چه جامعه‌ای است که حکم اعدام و کشتار دولتی باید عامل بازدارنده کشتار و جنایت بحساب آید؟ بر عکس اعدام مشوق و عامل تشدید قتل و جنایت بیشتر در جامعه است. آمار کنونی در آمریکا نشان میدهد که بطور متوسط به ازاء هر صد هزار نفر ۸ قتل در سال صورت می‌گیرد. در ایالاتی که قانون جزایشان حکم در

مجازات اعدام شنیع‌ترین شکل قتل عمد است



اعدام ندارد میزان متوسط قتل و جنایت حدود ۴ نفر در سال میباشد. در کانادا زمانیکه "مجازات اعدام" را لغو کردند میزان جرایم جنایی نیز تنزل پیدا کرد. دلیل مسئله نیز ساده و روشن است. در جوامعیکه اعدام عملی مشروع قلمداد میشود. مجاز شمرده میشود که آدمها عامدانه کشته شوند. مجاز شمرده میشود که کسی کسی را بکشد. در جامعه‌ایکه دولت آدم میکشد. دولت بزرگترین آدمکش است. طبیعیت است که عده‌ای هم پیدا شوند که انحصار دولت را بشکنند و خود نیز دست به چنین عمل کثیفی بزنند. اگر کشتن مجاز است، پس چرا فقط دولت باید مختار باشد که بکشد؟ واقعیت این است که با وقوع هر قتلی ما یکبار دیگر شکست سیاست قتلی ما یکبار دیگر شکست سیاست "مجازات اعدام" را مشاهده می‌کنیم و با هر اعدامی یکبار دیگر توحش نهفته در منطق و شعور جامعه کنونی را می‌بینیم. اعدام قتل عمد از پیش برنامه ریزی شده است. اعدام قتل عمد جمعی طبقه در حاکم است.

واقعیت این است که هر زمان که در طول تاریخ جامعه به راست چرخید، خشونت جامعه هم افزایش یافته است. قتل و جنایت هم افزایش یافته است. بعلاوه، اصلا بنای جوامع کنونی بر پایه خشونت و کشتن آمل و آروزهای انسانها بنا شده است. از طرف دیگر هدف از اعدام وادار کردن جامعه به اطاعت از قوانین و حاکمیت طبقه حاکم

است. قرار است با اعدام جامعه را به بند بکشند. هر وقت در جامعه طبقه حاکمه هار شد، خواست مردم را عقب براند، حکم اعدام را هم جلو آوردند. ابتدائاً در مقابله با جرایم بخش خصوصی جلو آوردند تا بهتر بتوانند در دفاع از بخش دولتی بکشند و آدمها را به اطاعت و زنجیر بکشند.

لغو اعدام یعنی جلوی کشتار بالا از پایین را سد کردن. یعنی محدودیت برای توحش بالائینها ایجاد کردن. مبارزه برای لغو اعدام مبارزه‌ای برای ارتقا جایگاه انسان در جامعه است. جامعه انسانی نمیتواند خود را جامعه‌ای متمدن بنامد و همزمان "مجازات اعدام" را بر علیه مردم جاری کند. جلوگیری از "مجازات اعدام" یعنی جلوگیری از زروگویی طبقات حاکم در عریان ترین شکل‌اش. یعنی اینکه جامعه دارد جلوی توحش قانونی دستگاه کنونی ایستادگی میکند. اعدام میراث دوران تاریخ بربریت انسان است. جامعه امروزی نباید دوران بربریت خودش را از سر بگیرد هیچ لذتی در تکرار این بربریت تاریخی نیست. اعدام و هر نوع تجاوز به جسم افراد باید ممنوع گردد. حیات و زندگی حق تخطی ناپذیر هر انسانی است. از اینرو مبارزه برای لغو "مجازات اعدام" یعنی دفاع از حرمت و شخصیت انسانها در جامعه، یعنی تلاش برای بالا بردن احترام انسان نسبت به خودش، به جامعه و انسانیتش. ما از اعدام منزجریم. برای برانداختن مبارزه می‌کنیم.

جامعه‌ایکه اعدام را جزیی از سیاست جزایی خودش میدانند را جامعه کثیفی میدانیم. ما اعدام را رد می‌کنیم چرا که نمیخواهیم کسی بخاطر فعالیت سیاسی اعدام شود، نمی‌خواهیم در جامعه‌ای زندگی کنیم که کسی را تحت لوای خیانت به طبقه حاکمه و میهن و عدم وطن پرستی اعدام کنند. کسی را بخاطر مذهب، بی مذهبی و یا طرد مذهبی اعدام کنند. زنان و مردان را بخاطر رابطه عشقی و جنسی اعدام کنند. نمی‌خواهیم مجرمین جنایی را اعدام کنند. جلوه‌های بروز اعدام امروز در جوامع کنونی چیست؟ "مجازات اعدام" در تمامی این جلوه‌ها باید نقد شود. در تمامی این عرصه‌ها اعدام باید بمثابه جنایت طبقه حاکم بر ضد بشریت نقد و محکوم شود.

اعدام و مجرمین جنایی: عرصه خاکستری

بحث "مجازات اعدام" در عرصه جرائم فردی، یعنی در بخش خصوصی، دریچه‌ای است که از مجرای آن سیاست "مجازات اعدام" را با توسل به آن برای کل جامعه و مردم توجیه میکنند. خیلی از کسانی که "مجازات اعدام" را برای جرایمی از قبیل تعدی به مالکیت و اقدام سیاسی بر علیه دولت و شاه و ملکه رد میکنند در بسیاری از موارد از اعدام مجرم جنایی دفاع میکنند. ظاهراً این آن زمینه خاکستری است که دفاع از "مجازات اعدام" از کانال آن مجاز شمرده میشود. دستگاه حاکم نیز معمولاً برای اثبات ضرورت "مجازات اعدام" در جامعه به احساسات به غلیان آمده و عواطف حدت یافته خانواده‌های مقتولین متوسل میشود. این احساسات مبنای تالیید سیاست "مجازات اعدام" قرار داده میشود. اعدام مجرم را دوی

درد و درمان نزدیکان قربانی قلمداد میکنند. واقعیت این است که قتل و از دست دادن هر عزیز ضربه‌ای جبران ناپذیر و کشنده است. هیچ انسانی نمیتواند چشمش را به روی این احساسات و عواطف ببندد و یا نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. سمپاتی ما هم در این عرصه نه با مجرم بلکه تماماً با قربانی و نزدیکانش است. بعلاوه ابراز شدیدترین عواطف بر علیه مجرم از طرف نزدیکان قربانی امری کاملاً عادی و عکس العملی کاملاً قابل فهم است. راستش نمیدانم اگر روزی در شرایط غیر قابل تصویری شخصاً در کنار قاتل احتمالی دختر شیرین و دوست داشتنی شش ساله‌ام قرار بگیرم، چه عکس العملی از خود نشان خواهم داد. برایم غیر قابل تصور نیست که در حالت جنون به قاتل فرضی برای نابودیش حمله کنم. این طبیعی ترین احساس و عکس العمل هر انسانی است. اما معضل چیز دیگری است. مسئله این است که قرار نیست من و احساسات بشدت جریحه دار شده‌ام مبنای تثبیت سیاست "مجازات اعدام" قرار بگیریم. نباید با توسل به این احساسات قانون جامعه را به نگارش در آورد. نیازهای روحی و روانی چنین انسانی با قانون "مجازات اعدام" پاسخ نمی‌گیرد. این تبلیغات تماماً عوامفریبی دستگاه حاکم است. مسئله به بازی گرفتن این عواطف توسط دستگاه



آخرین اخبار مربوط به اعدام ها :



بابک شدیدی

پنج هزار قاتل غیر عمد در زندان های کشور وجود

دارد. **فارس-84.12.22:** مدیر عامل ستاد و امور زندان های کشور گفت: پنج هزار قاتل غیر عمد در زندان های کشور وجود دارد که برای آزادی آنان همکاری انسان های خیر مورد نیاز است. وی تصریح کرد: ده هزار زندانی به علت بدهکاری مالی در زندان های کشور به سر می برند ضمن آنکه نیمی از این زندانیان در حوادث رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شدند یک هزار و پانصد میلیارد ریال میزان بدهکاری زندانیان غیر عمد کشور است.

عفو بین الملل: رژیم ایران تنها رژیمی است که به اعدام

نوجوانان ادامه می دهد. رژیم ایران حداقل 94 نفر را در سال 2005 اعدام کرده است. سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه خود اعلام کرد، رژیم ایران تنها رژیم شناخته شده در جهان است که به اعدام نوجوانان ادامه

سیستم جنایت را مثل هر کالای دیگری تولید میکند. کارکرد این سیستم چنین شرايطی را تولید و بازتولید میکند. قتل و جنایت و دستگاه قضایی و زندانها لازم و ملزوم یکدیگرند. یکی بدون دیگری نمیتواند وجود داشته باشد. هیچ کسی صبح زود از خواب بلند نمیشود تا تصمیم بگیرد که امروز قرار است من یک جنایتکار باشم. شرايط آدمها زائیده موقعیت داده شده در اجتماع است. انسانها صرفا در محدوده های معینی مختارند .

در خاتمه :

حرف آخر ما این است که اعدام شنیع است. ضد انسانی است. شایسته جامعه انسانی نیست. ما ضد اعدام ایم، ضد هر نوع اعدام و اعدام هر کسی هستیم. نمیخواهیم در جامعه ای زندگی کنیم که هیچ انسانی بیجان شود، کشته شود، اعدام شود .

علی جوادی

* نوشته فوق بر مبنای گوشه ایی از سخنرانیهای نویسنده در شهرهای تورنتو، ونکوور، لس آنجلس، کپنهاک، مالمو و یوتبوری تهیه شده است .

فرودست است. تحقیر و توهین و خوارشمردنش مجاز است. در این سیستم کودک دارای حقوقی نیست. در این جامعه پیران را دور میریزند. این سیستمی است که بدون استثمار انسان نمیتواند زندگی کند. سنگ روی سنگ بند نمیشود. در چنین جامعه ای، در جائیکه خودپرستی سرمایه دار برای کسب حداکثر سود مبنای فعالیت جامعه قرار داده شده است. استثمار آشکار و سنگدلانه رایج است و تقدیس میشود. در جوامعیکه زندگی و رفاه مردم تابعی از بالا و پایین بازار است. در جامعه ای که با پول میشود شجاعت خرید حتی اگر بزدل و حقیر بود. با پول میشود دوست داشتنی جلوه گر شد، حتی اگر کریه و انزجار آور بود. با پول میتوان عشق، اعتماد، رفاقت و احترام را خرید. در جوامعیکه شخصیت افراد به میزان حجم سرمایه شان گره خورده است. راستش در چنین دنیایی نمیتوان از خشونت و جنایت بطور ریشه ای اجتناب کرد. خشونت و جنایت سیستماتیک بخشی از کارکرد این جوامع اند. محصول چنین نظامی هستند. از اجزای ذاتی این سیستم هستند. این

حاکم است. مسئله این است که دستگاه حاکم حتی در این شرایط دردناک در پی پیشبرد تثبیت سیاستی ضد انسانی است. شرم آور است! واقعیت این است که برخلاف وعده های مدافعان اعدام هیچ درجه ای از مجازات نمی تواند التیام بخش هیچ دردی در این زمینه باشد. اعدام مجرم هیچ کمبودی را در نزدیکان قربانی پر نمیکند. بعلاوه قرار نیست نزدیکان قربانی در چنین شرایط روحی نابسامانی یعنی پس از وقوع قتل بروند و در نقش قانونگذار جامعه دست به تدوین و نگارش قانون مجازات جامعه بزنند. باید جلوی این ریاکاری طبقه حاکم را گرفت .

جامعه و اعدام :

اما اعدام تنها بخشی از اقداماتی است که برای پایین بردن حرمت انسان در جامعه صورت میگیرد. اعدام یکی از جنایاتی است که برای به نبرد کشیدن مردم در جامعه صورت میگیرد. امروز برای اینکه مردم اعتراض نکنند، برای اینکه مردم به وضعیت موجود رضایت دهند، آنم را میکشند. هر روزه دارند به مردم توهین میکنند. کودک و پیر و جوان را در گرسنگی و فقر زیر پا له میکنند. در این جامعه زن

از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.azadizan.com
www.wpiran.org
http://group.yahoo.com/group/javanankomonist/
Www.adpi.net
http://www.socialismnow.org/

کمک مالی به

کمیته بین المللی علیه اعدام

برای نجات جان فاطمه و صدها زندگی دیگر!

شماره حساب برای پرداخت کمک مالی

شماره حساب :

International comitte against executions
Plus Giro 3-412085
Sweden

از صفحه ۱

مسببین اصلی مرگ هاتون

چه کسانی هستند؟

دادگاه بدوی رسیدگی به پرونده قتل ناموسی "هاتون سوروجو" زن ۲۳ ساله ترک تبار آلمانی که در ۷ فوریه سال ۲۰۰۵ بوسیله برادرش "آیهان" به قتل رسیده بود به کارش پایان داد. دادگاه موفق نشد دلایلی بر خانوادگی بودن تصمیم به قتل این زن جوان بیابد. "آیهان" جوان ۱۸ ساله متهم به قتل طبق قوانین مربوط به بزهکاری جوانان در آلمان به ۹ سال و سه ماه زندان محکوم شد. دو برادر دیگر "آیهان" یعنی "آلپاسلان" و "مولو" از اتهامات وارده تبرئه شدند.

نتیجه کار دادگاه کمابیش از پیش روشن بود. دادستانی آلمان از قبل پیش بینی کرده بود که این قتل نتیجه یک محاکمه و تصمیم خانودگی بوده و اجرای قتل به نوجوانترین فرد فامیل که طبق قانون مشمول کمترین مجازات خواهد شد سپرده شده. حکم دادگاه هیچ چیز بجز اثبات این حقیقت نیست. در واقع نام "آیهان" ۱۸ ساله جوانترین پسر عضو خانواده "سوروجو" را نیز باید به لیست بلند بالای قربانیان تروریسم کور اسلام سیاسی افزود. آیهان محکوم میشود اما مسببین اصلی این قتل ناموسی و قتلهای مشابه آن که در آلمان اتفاق می افتد آزادانه به فعالیت ادامه میدهند.

هاتون بیش از هر چیز قربانی تبلیغ

روزمره زن سنتیزی اسلامی در آلمان است هاتون قربانی جدا نبودن مذهب از سیستم آموزش و پرورش در آلمان است هاتون قربانی شبکه درهم پیچیده مساجد و مدارس قران در آلمان است که روزمره ضدیت با آزادی زن و ناموس پرستی را در خانواده های مسلمان تبلیغ میکنند. در حقیقت هیچ کودک متعلق به خانواده های مسلمان را نمیتوان یافت که از همان سنین کودکی زیر فشار و تعلیم وتریبیت زن سنتیزی اسلامی قرار نگرفته باشد.

هاتون و هاتونها قربانیان مصون نبودن کودکان و نوجوانان مرتبط به خانواده های مسلمان از تعرض قوانین سیاه و قرون وسطی اسلام هستند. محاکمه و محکومیت "آیهان" میتواند از نظر مبلغین این دین ضد بشری موفقیت در اجرای قوانین شریعت اسلام محسوب شود. در کنار رسیدگی به این پرونده جنایی لازم است نگاه و توجه را به دلایل اصلی این جنایت معطوف داشت.

لازم است بخاطر پایان دادن به تعرض مذهب و اسلام سیاسی علیه کودکان و نوجوانان و زنان به میدان آمد. کمپین "هاتون را هرگز فراموش نکنید!" بار دیگر برای پایان دادن به قتلهای ناموسی در آلمان اعلام میکند که :

در دفاع از جهانشمولی حقوق انسان و در دفاع از حقوق زنان در خانواده ها و جوامع اسلام زده در

دفاع از سکولاریسم و در مقابله با دست اندازی اسلام سیاسی به ابتدائی ترین و بدیهی ترین پرنسیپها و اصول انسانی در جامعه خواهان:

- اختصاص وقت به بحث و مجادله در مورد قتلهای ناموسی در رسانه های عمومی و بررسی ریشه های قتل ناموسی و نقد علنی و آشکار و بی تخفیف فرهنگ و اخلاقیات عقب مانده و ارتجاعی ضد زن

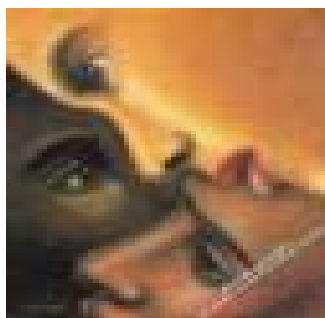
- خواهان ممنوعیت مدارس مذهبی و اسلامی و تعطیلی فوری مدارس تدریس قران برای کودکان در آلمان - خواهان ممنوعیت حجاب اسلامی و اجباری برای کودکان زیر ۱۸ سال در آلمان

- خواهان قطع هر نوع کمک و سوبسید دولتی به مساجد و مراکز مذهبی و اسلامی در آلمان - خواهان اختصاص بودجه کافی به مراکز نگهداری و حمایت و حفظ امنیت زنان و دختران در معرض قتل ناموسی در آلمان است.

هاتون را هرگز فراموش نکنید!

کمپین علیه قتلهای ناموسی

۱۴ آپریل

**آخرین اخبار ...**

می دهد. بنا به این گزارش رژیم ایران در سال 2005 حد اقل 8 نفر را که در دوران نوجوانی مرتکب جرم شده اند، اعدام کرده است؛ از جمله دو نفر که در زمان اجرای حکم اعدامشان، زیر 18 سال سن داشتند. در گزارش عفو بینالملل همچنین آمده است که رژیم ایران حداقل 94 نفر را در سال 2005 اعدام کرده است.

دفن مخفیانه سه نفر توسط مأموران انتظامی. به گزارش رسیده از کرج فردی که پدرش فوت کرده بود برای دفن وی به قبرستان بی بی سکینه در اطراف کرج می رود. در حین دفن در حالی که قبرستان کاملاً خلوت بوده وی متوجه می شود که سه جسد بدون هویت توسط ماشین نیروی انتظامی به قبرستان آورده شده و در سه قبر خالی که در نزدیکی قبر پدر وی وجود داشت دفن شدند. مأموران انتظامی در کارشان بسیار عجله داشتند. با توجه به این که کفن این سه جسد خونی بوده این فرد تلاش کرده است که چهره آنها را ببیند ولی مأموران از این کار ممانعت کردند

حکم اعدام احمد باطبی تایید شد اما رهبری تخفیف میدهند!

وکیل مدافع احمد باطبی، دانشجویی که در جریان حوادث کوی دانشگاه در سال 78 دستگیر شده بود، از تایید اصل حکم اعدام موکلش از سوی شعبه 13 هیات تشخیص دیوان عالی کشور خبر داد. خلیل بهرامیان با اعلام این خبر و با بیان اینکه متأسفانه هیات تشخیص دیوان عالی کشور بدون توجه به موازین قانونی اصل حکم اعدام موکل را تایید کرده است، گفت: شعبه 13 هیات تشخیص دیوان عالی کشور تکلیف قانونی داشت که نسبت به رای اعدام موکل نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر کند که متأسفانه بدون هیچ گونه استدلال قانونی رأی بدوی را تایید کرد. ایلنا-

85.01.23